

ویرایش مکانیکی؛ ویرایش دینامیکی

چکیده: در آغاز مقاله، ویرایش به دو گونه مکانیکی و دینامیکی تقسیم می‌شود. مراد از ویرایش مکانیکی، اکتفای ویراستار به تغییرات جزئی و بی‌اهمیت است. اما در نوع دوم، ویراستار گاه در کلیت متن دست می‌برد و تغییرات اساسی‌تری را اعمال می‌کند.

ویرایش اگر از نوع پویا و دینامیکی آن باشد، خصوصیات زیر را دارد:

۱. متن، دو بار ویرایش می‌شود؛ یک بار به صورت جمله به جمله و یک بار با نگاه کلی؛

۲. ویراستار ماهر هرگز به علائم و قطع و وصل‌ها بسنده نمی‌کند و در زیباسازی و شیوایی متن نیز توجه دارد؛

۳. انعطاف‌پذیری، یکی دیگر از ویژگی‌های ویراستاران مجرب و دینامیکی است؛ زیرا ویرایش فرایندی نیست که در آن بتوان به قواعد و فرمول‌های بخشنامه‌ای تکیه کرد؛

۴. در ویرایش دینامیکی، غنای واژگانی ویراستار بسیار راهگشا است؛ به ویژه در مقالات دینی که از این لحاظ، دچار فقر است؛

۵. همچنین ویراستار ماهر و مجرب، براساس مبنا ویرایش می‌کند، نه دیمی و سرخود.

کلید واژه‌ها: نگارش، ویرایش، رسم الخط، علائم سجاوندی، زیباسازی.

امیرمؤمنان علی (ع):

إِذَا كَتَبْتَ كِتَابًا فَاعِدْ فِيهِ النَّظَرَ قَبْلَ خَتْمِهِ...^۱

نوشته‌ات را - پیش از زدن مهر تایید - بازنگری کن.

ویرایش را از زاویه‌های گونه‌گون بر چند گونه تقسیم کرده‌اند: صوری، فنی، زبانی، نگارشی، ساختاری، علمی، محتوایی، داستانی، شعری، ترجمه‌ای، تخصصی، تلخیصی، چکیده‌ای، ادبی، تحقیقی، تصحیحی و مانند آن و البته که ویرایش‌پژوهان از تداخل برخی از اقسام آن در دیگری نیز سخن به میان آورده و تفاوتشان را فقط لفظی برشمرده و یا شماری از آنها را اصلاً جزء اقسام ویرایش ندانسته‌اند.

تقسیم‌بندی دیگر و کلی‌تری که بر بسیاری از انواع پیش‌گفته ویرایش سایه افکنده و کمتر به آن پرداخته شده و یا حتی می‌توان گفت در یاد هم نیامده است، ویرایش مکانیکی و ویرایش دینامیکی است که با توجه به این دو نوع جدید از ویرایش و به طور کلی، ویراستاران نیز بر دو نوع خواهند بود:

۱. ویراستاران مکانیکی؛

۲. ویراستاران دینامیکی.

آنچه در پی می‌آوریم، آسیب‌شناسی ویرایش و به‌ویژه ویرایش آثار و تالیفات دینی و بازگویی و بازنمونی شاخصه‌ها و ویژگی‌های این دو نوع از ویرایش و ویراستاران و ناهمسانی‌های آنها با یکدیگر است که با کسب اجازه ادبی از شما، ویراستاران مکانیکی را ویرگولاستار و ویراستاران دینامیکی را ویراستار به معنای حقیقی می‌نامیم.

۱. بازویرایی

در ویرایش مکانیکی، ویراستار فقط به حوزه درونی متن پا می‌گذارد و از آن هیچ فاصله‌ای نمی‌گیرد و به ویراستن متن می‌پردازد، اما در ویرایش دینامیکی، ویراستار از متن نیز فاصله می‌گیرد و از حوزه بیرونی هم به آن می‌نگرد و چشم‌انداز متن را از نظر ویرایشی به نظاره و داوری می‌نشیند و به آراستن و پیراستن آن مشغول می‌شود به طوری که گاه دستور حذف چندین و چند صفحه از متن را به درستی و قاطعانه و شجاعانه صادر می‌کند. از این‌رو، ویراستار مکانیکی، ویرایش متن را فقط در اثنای کار انجام می‌دهد، در حالی که ویراستار دینامیکی پس از پایان ویرایش نخستین، دوباره از بیرون به متن

می‌نگرد و آن را بازویرایی نیز می‌کند و حتی گاه این کار را با کناره‌گیری از متن در فاصله‌ی زمانی مناسب تحقق می‌بخشد و ناگفته روشن است که وی در این کار باید حوصله و تعهد بیشتری را منظور دارد و بداند که معمولاً بابت آن، حق الزحمه و ویرایانه‌ای اضافه نیز نصیب جیب ویران او نمی‌شود.

در حالات و ویژگی‌های یکی از ویراستاران کهنه‌کار و فرادست نوشته‌اند هر متنی را دوبار ویرایش می‌کرد: یک‌بار درون‌متنی و بار دیگر برون‌متنی و با این کار، هم به متن نویسنده اعتبار بیشتری می‌بخشید و هم به ویرایش خویش و یکدستی آن. نیز یکی از ویراستاران بزرگ و رمان‌شناس دنیا‌گاه پس از مطالعه‌ی دست‌نویست برخی از رمان‌ها، به نویسندگان آنها می‌گفت که مثلاً باید پنجاه صفحه‌ی اول یا آخر رمان خود را دور بریزید و دوباره آن را بنویسید؛ زیرا رمان خویش را خوب آغاز نکرده و یا خوب به پایان نبرده‌اید.

۲. تسکوبی‌نگری

ویراستار مکانیکی و دینامیکی - همان‌گونه که گفته شد - در عنوان ویراستارِ درون‌متنی با یکدیگر مشترک‌کنند، لیکن ویراستار مکانیکی - هنگام ویرایش در درون متن - باز تفاوت دیگری با ویراستار دینامیکی دارد که او فقط جزئی‌نگر است و ویراستار دینامیکی کلی‌نگر نیز هست. به همین جهت، ویراستار مکانیکی به نقطه و ویرگول و فصل و وصل کلمات، بیشتر اهمیت می‌دهد و متن نویسنده را به ویرگولستانی قرمز رنگ تبدیل می‌کند که با ترفیکی از نشانه‌های نگارشی و ویرایشی روبه‌رو شده است. اما ویراستار دینامیکی به کُلیت و زیبایی و شیوایی متن و در نتیجه، به تأثیرگذاری بهتر و افزون‌تر آن برخوردار است. نیز می‌اندیشد و حتی بیشتر می‌اندیشد و تا می‌تواند به کوتاه کردن طول موج یادگیری و فهم متن می‌پردازد و یکی از اصول عملی ویرایش را - هنگام شک و شبهه در گذاشتن یا نگذاشتن نشانه‌های ویرایشی و نگارشی - توقف و امساک می‌داند و به ندای قَفِ عِنْدَ الشَّهَاتِ در این گونه موارد نیز لبیک می‌گوید. از این رو، برخلاف ویراستار مکانیکی که به نقطه‌گذاری و ویرگول‌آوری، بس علاقه‌مند و در آن حتی گاه بُلْهَوَس و البته فقط میکروسکوبی‌نگر است، ویراستار دینامیکی در این گونه امور امساک می‌ورزد، ولی تسکوبی‌نگر نیز است. چندی پیش متنی ویرایشی از ویراستاری مکانیکی به دستم رسید که پیش از کلمه «زیرا» یک ویرگول و بلافاصله پس از آن یک نقطه ویرگول (، زیرا؛)



چسبانده و این کلمه را میان آن دو نشانه به گونه‌ای حبس کرده و به زنجیر کشیده بود که هیچ راه گریز و گزیری برای آن کلمهٔ زبانبسته باقی نهماده و آن چنان با خودکار قرمز، ویرگول آبدای ساخته بود که به میدان جنگ و خونریزی شباهت بیشتری داشت تا به میدان کلمات و جملات نویسنده.

نتیجهٔ این دو زاویهٔ دید در ویرایش و ویراستار، آن می‌شود که ویراستار مکانیکی فقط به علائم و کلمات و درنهایت به جملات نویسنده خیره و آلرژیک ویرایشی اش به آنها محدود می‌گردد و اصلاً به روش پژوهشی و سبک نویسندگی و شخصیت اجتماعی نویسنده نظر نمی‌افکند و یا بسیار کم می‌افکند و سطح علمی مخاطبان او و فضای فکری خوانندگان متن را نادیده می‌انگارد و حال آنکه ویراستار دینامیکی به ماورای متن و به امور پیشگفته نیز می‌اندیشد و فقط به خود متن نمی‌نگرد و در یک کلمه، ویراستار دینامیکی دو نوع آلرژیک را در ویرایش‌های خود به کار می‌گیرد: آلرژیک درون‌متنی و آلرژیک برون‌متنی.

چندی پیش، نویسنده‌ای دست‌نوشته خویش را به ویراستاری دینامیکی نشان داده و نظر وی را دربارهٔ آن جویا شده بود. این ویراستار نیز نظری فرامتنی به آن دست‌نوشته افکنده و به نویسندهٔ آن، صائب‌نظرانه گفته بود که متن شما از نظر ویرایش مکانیکی و نشانه‌های نگارشی، مشکل خاص و چندانی ندارد، اما در مجموعهٔ سراسری متن، کلمهٔ من و ضمیر متصل متکلم «میم» را برای خود و کلمهٔ تو و ضمیر متصل مخاطب «یا» را برای خواننده، فراوان به کار برده‌اید و این ممکن است نشان دهندهٔ بزرگ‌نمایی خودتان و خردنمایی خوانندگان تلقی شود. آن نویسنده نیز با مطالعهٔ کل متن - از آغاز تا انجام - و صرف چندین ساعت وقت، راهنمایی صائب آن ویراستار دینامیکی را به کار بسته و با زبان و عمل، قدردان وی شده بود.

نمونهٔ دیگر آنکه دست‌نوشتهٔ یک داستان‌نویس را به یکی از ویراستاران (!) سپرده بودند و او بدون توجه به سبک و سیاق داستانی متن و واژگان ویژهٔ آن و زاویهٔ دید نویسنده و شخصیت‌پردازی و گره‌افکنی و مونولوگ‌ها و دیالوگ‌های به کار گرفته شده در داستان، به ویرایش مکانیکی و ویرگولاستاری آن پرداخته بود و به جای اصلاح ابروی متن، چشم آن را کور کرده و فریاد واداستانا - واداستانای نویسندهٔ داستان را به آسمان هفتم رسانده بود.

۳. انعطاف پذیری

ویراستار مکانیکی انعطاف پذیر نیست و فقط پازلی و جدول ضربی عمل می کند، لیکن ویراستار دینامیکی - با حفظ حدود و ثغور و اصول ویرایش - گاه عنصر انعطاف را هم به یاری ویرایش و فهم بهتر و بیشتر متن فرا می خواند و متن را سبک و سنگین کرده، از عمل جمع و تفریق در ویرایش دست نوشته نیز بهره می جوید و به سان افسری عمل می کند که گاه برای حل مشکل ترافیک، به خودروهایی که حتی با چراغ سبز رو به رو هستند، دستور توقف می دهد، ولی به خودروهایی که با چراغ قرمز رو به رو شده اند، اجازه عبور می دهد.

برای اینکه ذهنی سخن نگفته، بلکه این تفاوت را به صورت کاربردی و عینی نشان داده باشیم، مثالی کوچک و جزئی را به شکل مجمل بازگو می کنیم؛ تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل:

خوانده و یا شنیده اید که بدل یا عطف بیان یک چیز را هنگام ویرایش متن، میان دو ویرگول می گذارند. دیدگاه پازلی و انعطاف ناپذیر ویراستار مکانیکی و ایستا، در جمله کوتاه و هشت کلمه ای زیرین که دو بدل یا عطف بیان دارد، چهار ویرگول می گذارد: «ما، مسلمانان، بر صهیونیست ها، غاصبان بیت المقدس، پیروز می شویم.» و حال آنکه ویراستار دینامیکی و پویا از عنصر انعطاف در ویرایش نیز بهره می گیرد و مثلاً دو ویرگول نخست را در جمله مذکور حذف می کند و از متوقف کردن طولانی و نابجای خواننده و چشم آزاری وی در هنگام خواندن متن خودداری می ورزد و آن جمله را بدین صورت پویا و روان می سازد: «ما مسلمانان بر صهیونیست ها، غاصبان بیت المقدس، پیروز می شویم.» یا حتی یک ویرگول دیگر را نیز بدین گونه از میان برمی دارد: «ما مسلمانان بر صهیونیست ها که غاصبان بیت المقدس اند، پیروز می شویم.»

شایان گفتن است که استفاده از عنصر انعطاف در ویرایش باید با دلیل و در موارد لزوم و در حد ضرورت صورت پذیرد تا ویراستار را به سنت شکنی و ساختارگریزی در ویرایش سوق ندهد و متهم نسازد.



۴. غنای واژگانی

یکی دیگر از تفاوت‌های ویرایش مکانیکی با دینامیکی این است که ویراستار مکانیکی با فقر واژگانی رو به رو است و همواره فریاد «هل من واژگان! ینصرنی» او بلند است، لیکن ویراستار دینامیکی از غنای واژگانی برخوردار و برای هر موردی، چندین و چند واژه در گنجینه ذهن خویش بایگانی کرده است. به همین جهت، اصلاحات و تغییرات واژگانی در ویرایش مکانیکی، بسیار کمتر از ویرایش دینامیکی است. مثلاً ویراستار مکانیکی فقط کلمه اتفاق و حادثه و نهایتاً واقعه را می‌شناسد و معانی آن سه را می‌داند، اما ویراستار دینامیکی از کلماتی مانند رخداد، رویداد، جریان، ماجرا، قضیه، پیشامد و تفاوت‌های کاربردی آنها نیز آگاهی دارد.

این فقر و غنای واژگانی در ویراستار مکانیکی و دینامیکی، هنگام ترکیب‌سازی و جمله‌سازی، بیشتر رخ می‌نماید و اهمیت برخوردار از غنای واژگانی را در ویرایش، بیشتر نمایان می‌سازد. به طور مثال، هنگام درگذشت کسی، ویراستار مکانیکی فقط این گونه جمله‌ها را در ذهن خود می‌آورد: فلانی در گذشت یا فلانی از دنیا رفت یا فلانی به رحمت ایزدی پیوست و یا فلانی فوت کرد، اما ویراستار دینامیکی امکان دارد که ترکیبات و جمله‌های زیرین و تفاوت و جای هر کدام از آنها را در تشریح‌های مختلف و برای مخاطبان و مصادیق گونه‌گون نیز بداند و صنعت حُسن تعبیر و مواردش را بشناسد و آنها را با توجه به متن نویسنده و مخاطبانش و تصور زشت و زیبایی که از مرگ وجود دارد، به کار گیرد:

۱. فلانی رحمت خدا رفت؛ ۲... جان به جانان تسلیم کرد؛ ۳... شمع وجودش خاموش شد؛ ۴... رخ در نقاب خاک کشید؛ ۵... مرغ روحش به آسمان پرواز کرد؛ ۶... جام مرگ را سرکشید؛ ۷... از سرای دنیابه سرای عُبُبا شتافت؛ ۸... از فرش به عرش پا گذاشت؛ ۹... از خاک به افلاک پرکشید؛ ۱۰... دیده از جهان فرو بست؛ ۱۱... رخت از جهان بر بست؛ ۱۲... از دار فانی به دیار باقی شتافت؛ ۱۳... قالب تهی کرد؛ ۱۴... خرقة به دیگری سپرد؛ ۱۵... مُرد؛ ۱۶... به خواب ابدی فرو رفت؛ ۱۷... عمرش را به شما داد؛ ۱۸... ما را تنها گذاشت؛ ۱۹... ما را ترک کرد؛ ۲۰... به اجدادش پیوست؛

جالب است بدانید که این مقاله را پیش از چاپ به یکی از ویراستاران دینامیکی داده بودم تا پیشنهادها و نظریات خویش را درباره آن بیان کند. هنگامی که به این مثال‌ها رسید، پیشنهاد کرد آنها را درباره «تولد کسی» و نه «مرگ کسی» ذکر کنم؛ زیرا معمولاً چهره تولد، زیباتر از چهره مرگ است. بدین جهت، مثال قبلی را نخوانید(!) و مثال بعدی را بنگرید: یکی از تبریک‌ها و عبارتهایی که حدود ربع قرن از کلیشه‌گویی آن در صدا و سیما می‌گذرد، به طور مثال این است: «میلاذ فرخنده سومین اختر تابناک آسمان ولایت و امامت گرامی باد!» اگر بخواهیم حتی از همین تبریک کلیشه‌ای و استفاده کردن از دو تشبیه امام به اختر و امامت به آسمان نیز دست برداریم و البته که باید هرچه زودتر از آن دست برداریم و از تبلی فکری دوری گزینیم و به فیزیوتراپی فکری روی آوریم، می‌توانیم به جای واژه میلاد، از واژه‌های تولد، ولادت و زادروز و به جای واژه فرخنده، از واژه‌های خجسته، مسعود، باسعادت، مبارک، همایون، بامیمنت، پرمیمنت و به جای واژه اختر، از واژه‌های ستاره، کوکب و نجم و به جای واژه تابناک، از واژه‌های تابان، فروزان، پُرفروغ، درخشنده، درخشان، نورانی، فروزنده، فروغ‌مند، نورافشان، منور، فروغ‌بخش، نورگستر، نوربخش و مُشعشع و به جای واژه آسمان، از واژه سپهر که در مجموع، بیش از ۱۷۰۰ عبارت می‌شوند، استفاده کرد^۳ و البته باز هم باید بدانیم:

تا قیامت می‌توان از عشق گفت

تو مگو مضمون نایی نیست، هست

۵. ویرایش مبنایی

چندین سال پیش که سخت مشغول مطالعات ویرایشی و تحقیقات نگارشی بودم و با دیدن اختلاف نظر صاحب‌نظران این عرصه، سرگردان و سردرگم شده و مثلاً در مسئله‌ای جزئی مانند گذاشتن تشدید به چهار شیوه برخورد کرده بودم، به کنکاش با یکی از ویراستاران صاحب‌نظر و نویسندگان صاحب‌سبک پرداختم و نظر او را در این گونه اختلافات و سردرگمی‌ها جویا شدم. ایشان پاسخ دادند که در ویرایش و نگارش و اختلاف نظرهای ویرایش‌پژوهان باید به دو اصل مهم توجه کرد: «یکی اینکه دلیل و استدلال‌ها و در نتیجه مبانی آنان را باید دید و پژوهید و دیگر اینکه پس از پذیرش هر

نظر مبنایی آنان - هر چند درست و صائب نباشد - باید وحدت روش را در سراسر متن - از آغاز تا پایان - رعایت کرد و به طور کامل و دقیق به آن ملتزم شد.

از این رو، ویراستار دینامیکی هم مبنایی می‌اندیشد و هم مبنایی می‌ویراید و در نتیجه، هنگام رو به رو شدن با مسائل جدید و مستحدثه ویرایشی در نمی‌ماند؛ چرا که با استفاده از ضابطه عَلَيْنَا إِلقاءُ الْأَصُولِ وَعَلَيْكُمْ التَّفْرِيعُ به ویرایشی اجتهادمند دست یافته است و حال آنکه ویراستار مکانیکی در مسائل ادبی و ویرایشی، فقط یک مقلد ادبی صرف است و به اندیشه بی‌ریشه «صرفیون چنان کردند، ما هم چنین می‌کنیم» نیز سخت پای‌بند است و هنگام اعمال نظرهای ویرایشی، در موارد مشکوک و یا مصادیق جدید، مضطربانه می‌اندیشد و مذبذبانه ویرایش می‌کند و معمولاً دست‌لرزان و سرگردان است. مثلاً ویراستار مکانیکی، در رسم الخط همزه مکسور پس از الف بلند در کلمات عربی، سلیقه‌ای و کتره‌ای عمل می‌کند و بدون دلیل، از اصل مهم وحدت روش در ویرایش سر بر می‌تابد و گاه همزه را به یا تبدیل می‌نماید و کلمات جایز، شرایط، وسایل و حتی مسائل را به صورت مسایل می‌نویسد که در زبان عربی، جمع مسیل (محل عبور سیل) است نه جمع مسئله؛ اما چون به کلماتی مانند امام قائم - عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ - می‌رسد، در می‌ماند که آن را به صورت امام قائم بنویسد یا امام قائم! بدین هنگام است که دست به دامان استثنائات گوناگون و فراوان می‌شود و آنها را با قواعدی مانند ما مِنْ عَامٍ إِلَّا وَقَدْ حُصِّنَ، توجیه می‌کند؛ در حالی که به این نکته دقیق و گفته عمیق در استثنائات توجیه و تنبیه ندارد که استثنای هر ضابطه و هر قاعده‌ای باید خود نیز ضابطه‌مند و قاعده‌مند باشد.

ویراستار دینامیکی در این گونه موارد، پس چگونه عمل می‌کند؟ وی مثلاً طبق مبنا و قاعده همخوانی نوشتار با گفتار (تطابق مکتوب با ملفوظ) عمل می‌نماید و کلمه جائر را به صورت جایز، ولی کلمه قائم را به همان صورت قائم - نه قائم - می‌نویسد؛ چرا که فارسی‌زبانان، همزه در کلمه اولی را به صورت یا و در کلمه دومی را به همان صورت همزه تلفظ می‌کنند و حتی همین کلمه قائم را در معنای دیگری مانند قائم موشک‌بازی، به صورت قائم - نه قائم - می‌نویسد.

آنچه در این قسمت به قلم آمد، مُشتی از خروار و اندکی از بسیار در باب مبنایی

ویرایش کردن ویراستاران دینامیکی و کتره‌ای ویرایش کردن ویراستاران مکانیکی بود.

یک کف گندم زانباری بین
فهم کن گان جمله باشد همچنین

۶. کوشه ویرایی

کسی که تازه مسلمان شده است، از او می‌خواهند فقط نمازهای واجب - نه نمازهای مستحب - و فقط واجبات نماز و نه مستحبات آن را به جا آورد. ویرایش نیز یک عمل ادبی است و مانند برخی از اعمال فقهی دارای واجبات و مستحباتی است.

بدین رو، ویراستار دینامیکی هنگام ویرایش کردن متن کسی که تازه به نویسندگی روی آورده و هنوز با واجبات ویرایش و نگارش آشنا نشده است، فقط به اعمال همین واجبات ویرایشی بسنده می‌کند و از به کارگیری مستحبات ویرایشی خودداری می‌ورزد؛ چرا که با به کارگیری مستحبات ویرایشی، ممکن است هم این گونه نویسندگان را به ویرایش، بدبین و رمیده سازد، آن سان که عطای ویرایش را به لقایش ببخشند، و هم خود را در دام درازویرایی گرفتار کند.

پس همان گونه که به طور کلی درازنویسی نکوهیده است، درازویرایی نیز نکوهیده است و معمولاً فقط ویراستاران مکانیکی و یا بهتر بگوییم که نوویراستاران به آن روی می‌آورند و گاه این کار را برای ویرایش‌نمایی و ویرایش‌فروشی و محبوب‌سازی در ویرایش مرتکب می‌شوند.

از سوی دیگر، ویراستار دینامیکی هنگام ویرایش متن نویسنده‌ای که در نویسندگی، امتیاز نسبتاً خوبی دارد و واجبات ویرایشی و نگارشی را فی الجمله رعایت کرده است، بیشتر به اعمال مستحبات ویرایشی و آرایه‌های آن می‌پردازد و متن نویسنده را خوشخوان تر می‌سازد؛ حال آنکه ویراستار مکانیکی، متن دریافتی برای ویرایش را - از نظر انرژی و انرژی ویرایشی - رتبه‌بندی و درجه‌بندی نمی‌نماید و هر چه در چننه دارد، رو می‌کند و در هر متنی که به دستش می‌رسد، همه واجبات و مستحبات ویرایشی را به کار می‌گیرد و گاه بلیشویی در متن به راه می‌اندازد که سر و ته آن آشکار نیست.

اگر بخواهیم برای این موضوع مثالی بزنیم، باید بگوییم ویراستار دینامیکی هنگام ویرایش متنی که مؤلف آن در موارد بسیار متعددی، بین مفعول جمله و نشانه آن، یعنی

«را»، فاصله انداخته و یکی از واجبات نگارشی و ویرایشی را رعایت نکرده و مثلاً جمله‌هایی بدین گونه را آورده است: «چندی پیش، کتاب گلستان سعدی که پُر از مطالب ادبی و اخلاقی است را مطالعه کردم»، فقط به اصلاح همین غلط دستوری می‌پردازد و جمله پیشین را این گونه راست می‌سازد: «چندی پیش، کتاب گلستان سعدی را که پُر از مطالب ادبی و اخلاقی است، مطالعه کردم» و دیگر از به کارگیری مستحبات و آرایه‌های ویرایشی خودداری می‌ورزد و در مَثَل، همین جمله را به گونهٔ زیر تغییر نمی‌دهد و زیباتر نمی‌کند: «چندی پیش، کتاب گلستان سعدی را که سرشار از دستمایه‌های ادبی و اخلاقی است، مطالعه کردم.»

۷. غیر قابل ویرایش

تاکنون تعبیر کتاب غیر قابل انتشار به گوشتان خورده است؛ اما آیا تعبیر کتاب غیر قابل ویرایش را نیز شنیده‌اید؟ این قلمزن - تا آنجا که به یاد دارد - این تعبیر را از زبان کمتر ویراستاری شنیده و در عمل ویراستاران اصلاً ندیده است. تصور نادرستی از ویرایش و تصویر ناراستی از ویراستار در ذهن برخی از نویسندگان و ناشران و سفارش دهندگان وجود دارد. آنان فکر می‌کنند که ویراستار می‌تواند معجزه هم بکند و هر متن مُرده‌ای را با قلم مسیحایی خویش زنده نماید و هر کتاب مغشوش و مخدوشی را مطبوع خواص و مقبول عوام سازد و هر نوشتهٔ زشت و بدترکیبی را زیبا و خوش ترکیب و حتی بزک کند و ظاهراً هم فراموش فرموده‌اند که بزک بر صورت زیبا نشیند. هنگامی که نثر و عبارت پردازی متنی - از پایه تا پایان - سست و پریش و مؤلف آن سر به هوانویس و سرسری نویس است، کوشش ویراستار نیز آب در هاون کوفتن است و به گفتهٔ سعدی، و سمه بر ابروی کور کشیدن.

از این رو، هنگامی که ویراستار دینامیکی با چنین متن‌های دَرهم و برهم و کتاب‌های ناپخته و ناساخته‌ای از نظر نگارشی و ویرایشی برمی‌خورد که مؤلفان آن، هر رطب و یابسی را در آن به هم بافته‌اند و هر غث و سمینی را برشالودهٔ آن استوار ساخته‌اند، به ویرایش آن تن نمی‌دهد و قاطعانه و شجاعانه، مَهر «غیر قابل ویرایش» را بر پیشانی متن و کتاب می‌کوبد؛ زیرا در این گونه متن‌ها و کتاب‌ها به عیان می‌بیند: «کشته از بس که فزون است، کفن نتوان کرد»؛ در حالی که ویراستار مکانیکی هنگام رو به رو

شدن با این گونه متن ها و کتاب ها نمی داند که خانه از پای بست ویران است و نقش ایوان آن بی فرجام است و در نتیجه، زیربار ویرایش آن می رود - البته ویرایش که چه عرض کنیم - و چه بسا که در میانه راه، قلم بشکند و از ادامه راه بازماند. این گونه متن های مُرده و کتاب های آشفته را اساساً نباید ویرایش کرد، بلکه باید بازنویسی و نو نویسی کرد.

۸. نظر اندازی و نظریه پردازی

ویراستار دینامیکی - برخلاف ویراستار مکانیکی - کسی است که در ویرایش نظری، نظریه پرداز است و یا در صورتی که توان نظریه پردازی ندارد، دست کم به نظریات ویرایشی، نظر انداز است؛ زیرا یکی از پشتوانه ها و استوانه های ویرایش، تحقیق است و ویراستار دینامیکی از حضرت امیر مؤمنان علی (ع) آموخته است:

لَا يَنْفَعُ اجْتِهَادٌ بَغَيْرِ تَحْقِيقٍ؛^۴

هر کوششی که بدون تحقیق و حقیقت یابی باشد، سودی فراچنگ نیاورد.

از این رو، ویراستار دینامیکی به این باور دست یازیده است که حتی اگر در مسائل نظری ویرایش نظریه پرداز نیست، می تواند و حتی فراتر از آن باید که به نظریات گونه گونه نظریه پردازان ویرایشی نظر اندازد و از روزآمدترین و کارآمدترین و درست ترین این نظریات آگاهی یابد و آنها را در متن های سفارش گرفته برای ویرایش اعمال نماید تا از خطاهای ویرایشی و نگارشی خود بکاهد؛ چرا که از امیر فصاحت و بلاغت (ع) به یاد سپرده است:

مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَ الْأَرَاهِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا؛^۵

هر کس به شناخت انواع دیدگاه ها روی آورد، به شناخت لغزشگاه ها نیز دست یابد.

به طور مثال، اگر ویراستار در سره نویسی، درست نویسی، ساده نویسی، دراز نویسی، زیبانویسی و حد و مرزهای آن اندیشه ورز و نظریه پرداز نیست، دست کم باید بخشی از مطالعات ویرایشی خویش را به نظریات گونه گونه در این زمینه و به دلیل و استدلال های صاحب نظران و صائب نظران آن اختصاص دهد تا بتواند روز به روز و بیش از پیش، به نظریات و نظریه پردازی های جدید ویرایشی و نگارشی نزدیک و نزدیک تر شود و از قافله



زمان و زمانه عقب نماند؛ که به گفته شاعر:

از زمانه بترس خاقانی

که زمانه زمان نخواهد داد

بدین جهت، ویراستار دینامیکی - برخلاف ویراستار مکانیکی - مثلاً می‌داند که برخی از درست‌نویسان، در مباحث درست‌نویسی و به کارناگیری غلط‌های مشهور واژگانی، به دو ملاک توأم مشروعیت علمی و مقبولیت عرفی عقیده مند هستند و در نتیجه، استعمال کلماتی همچون قَبْرَس، مطالَعَه و هِنْدَسِه را به صورت درست آن، یعنی قُبْرُس، مطالَعَه و هِنْدَسَه، بایسته و حتی شایسته نمی‌دانند؛ زیرا تلفظ درست این کلمات، هر چند مشروعیت علمی دارند، از مقبولیت عرفی برخوردار نیستند و یا حتی برخوردار هم نمی‌شوند و در ذوق می‌زنند و چه بسا که به کارگیرندگان آن، سُخْرَه این و آن شوند. از سوی دیگر، استعمال کلماتی مانند کاوُش، گُمان و حاتمِ طایی را به شکل صحیح آن، یعنی کاوِش (اسم مصدر و مانند کاهِش)، گُمان (مانند مُحال) و حاتمِ طایی شایسته و حتی بایسته می‌دانند و بر آن تاکید می‌ورزند؛ چرا که این کلمات، هم مشروعیت علمی دارند و هم کمابیش مقبولیت عرفی و یا حداقل می‌توان با تعلیم و ترویج و به کارگیری آنها از مقبولیت عرفی نیز برخوردارشان ساخت.

۹. شخصیت کلمات و روان‌شناسی واژگان

همان گونه که در فیلم‌ها و فیلمنامه‌ها بازیگران دارای شخصیت‌های گوناگون مثبت یا منفی و یا خنثا هستند، در لغت‌نامه‌ها نیز کلمات و واژگان به همین گونه و دارای شخصیت‌های سه‌گانه پیشین هستند. بدین رو، هنگام به کارگیری کلمات و واژه‌ها باید به چهار نکته مهم زیر توجه داشته باشیم:

یک. به درستی استفاده کردن کلمات؛

دو. به جا استفاده کردن کلمات؛

سه. به موقع استفاده کردن کلمات؛

چهار. به اندازه استفاده کردن کلمات.

ویراستار ماهر، هنگام ویرایش متن، به شخصیت کلمات و روان‌شناسی واژه‌ها توجهی وافر دارد و هر کدام را در جای اصلی و مناسب خود به کار می‌گیرد. چندی پیش،

در مجله‌ای که ویراستار (!) نیز داشت، مقاله‌ای را می‌خواندم که نویسنده آن در صدد بیان و اهمیت استفاده از فرصت‌ها بود و در این زمینه، مثالی بدین عبارت نوشته بود: «مرحوم نراقی، مثنوی تاق‌دیس خویش را هنگام رفتن به مستراح سروده است.» چنانچه ویراستار آن مجله مهارت و تجربه کافی داشت، از کلمات دیگری، مانند حاجتگاه استفاده می‌کرد. مثالی دیگر بگوییم و این قسمت را به پایان بریم و به آن امید که بحث شخصیت کلمات و روان‌شناسی واژگان در هنگام ویرایش و نگارش، جدی‌تر گرفته شود و مهم‌تر در نظر آید. نویسنده‌ای در کتاب خود، حدیث *لِقَاحُ الْعِلْمِ الْتَّصَوُّرُ وَ التَّفْهَمُ* را بدین گونه ترجمه کرده بود: «آبستن کننده دانش، اندیشیدن و فهمیدن است.» اگر ترجمه این حدیث گران سنگ را به دست ویراستاری دینامیکی بدهیم، آن را مثلاً به یکی از سه صورت زیرین، ویرایش و زیبا می‌کند: «باروری/ بارورسازی/ به بارنشستن دانش به اندیشیدن و فهمیدن است.»

۱۰. مطالعات ادبی و اطلاعات عمومی

از تفاوت‌های اساسی دیگر در ویرایش مکانیکی و دینامیکی این است که ویراستار مکانیکی، مطالعات ادبی و اطلاعات عمومی ندارد و یا بسیار کم دارد و در یک کلمه، موجودی ادبی و اجتماعی نیست، ولی ویراستار دینامیکی دارای مطالعات ادبی و اطلاعات عمومی فراوانی است که کمیت و کیفیت این گونه مطالعات و اطلاعات خویش را روز به روز افزایش می‌دهد و آنها را روزآمد و نوامد می‌کند و در نتیجه و به تدریج، ذوق ویراستار مکانیکی نالطیف و خودش تاریک‌اندیش، اما ذوق ویراستار دینامیکی لطیف و خودش باریک‌اندیش می‌شود و صد البته که رد پای این تفاوت، در هنگام ویرایش آن دو کاملاً نمودار می‌گردد.

مثلاً ویراستار مکانیکی، شعر خوب نمی‌خواند، رمان خوب مطالعه نمی‌کند و با کسب اجازه فقهی از شما، باید بگوییم که موسیقی خوب هم گوش نمی‌دهد و فیلم و سریال خوب هم نمی‌بیند و همین باعث می‌شود حتی چیزهای جزئی را نداند که مثلاً دیوان کلیات شمس از شمس تبریزی نیست و از مولوی است؛ نام همینگوی (رمان‌نویس) به صورت همینگوی خوانده نمی‌شود و به صورت همینگوی خوانده می‌شود و تلفظ کلمه رمان (Roman) به شکل رمان (Romman) نیست.



ممکن است بگویید این اموری که بر شمردید، از مستحبات ویرایش است و نه از بایستگی‌ها و کارهای واجب برای او. آری همین گونه است که می‌گویید، ولی آیا این را هم می‌دانید که در پیشگاه الهی، سلام کردن عملی مستحب و جواب سلام عملی واجب است و اولی که مستحب است شصت و نه ثواب و دومی که واجب است فقط یک ثواب دارد؟

در فرجام این عریضه باید عرض کنیم که اگر می‌گوییم درخت ویرایش - به هر دلیلی - آفت زده شده است و باید آن را آفت‌زدایی کنیم، معنای این سخن آن نیست که آب و آفتابی هم به این درخت افراشته نرسانیم و برای افرختگی و بشکوهی هر چه بیشتر آن نیز قدمی در راه نگذاریم و قلمی بر کاغذ نشانیم و از حقوق مادی و خصوصاً از حقوق معنوی ویراستاران، این پهسازان کتاب و کتاب‌نویسی و این نویسندگان خاموش عرصه نویسندگی، دفاعی نکنیم و تشکیل و تأسیس انجمنی به نام انجمن ویراستاران را پیشنهاد ندهیم و تصور ناراست افرادی مانند آن فرد را راست نسازیم که در تواضع و خاکساری یکی از مدیران مسئول مجلات و به صورت جدی و نه شوخی گفته بود: «این مدیر مسئول، آن قدر آدم متواضعی است که کنار ویراستار مجله اش می‌نشیند و چایش را با او می‌خورد!» و در یک کلمه، لبان خویش را با این سروده حافظ مترنم نکنیم و به ویراستاران دلسوز و رنج‌کشیده این مرز و بوم پیشکش نداریم:

گویند که سنگ لعل شود در مقام صبر

آری شود و لیک به خون جگر شود

□ بی‌نوشت‌ها:

۱. غرر الحکم.

۲. این جان عاریت که به حافظ سپرد دوست

روزی رخس بینم و تسلیم وی کنم

۳. غیر از تغییر کلمات، می‌توان جمله‌ها و عبارات دیگر نیز بسازیم که در قالب و هندسه با این جمله

کلیشه‌ای تفاوت داشته باشد.

۴. غرر الحکم.

۵. نهج البلاغه، کوتاه سخن ۱۷۳